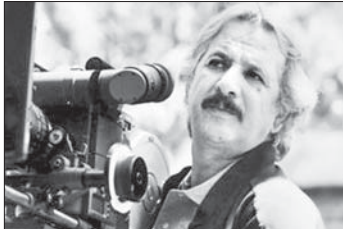


زیر آسمان فیروزهای

رونمایی از فیلم جدید مجیدی در جشنواره ونیز



● **گروه هنر:** فیلم «فراسوی ابرها» جدیدترین فیلم مجید مجیدی برای نخستین‌بار در «جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز» رونمایی خواهد شد. دومین پوستر این فیلم در بازار فیلم هفتادمین جشنواره بین‌المللی کن رونمایی شد. این فیلم، درباره رابطه یک خواهر و برادر با یکدیگر است؛ پسر نوجوان و خواهر جوانش که در جریان اتفاقاتی به یک رشد روحی و نوعی بلوغ می‌رسند. این اثر با رعایت مؤلفه‌های سینمای مجیدی ساخته شده و قابلیت اکران‌شدن در ایران را هم دارد. عوامل فیلم بیشتر از چهره‌های شناخته‌شده سینمای هند هستند؛ از مدیر فیلم‌برداری آن «آنیل مهتا» گرفته تا «ویشال باردواج» (کارگردان مشهور هند) که دیالوگ‌های فیلم را نوشته است. «ای.ا.رحمان» نیز بعد از ساخت موسیقی فیلم «محمد رسول‌الله (ص)» برای دومین‌بار با مجید مجیدی همکاری داشته است. ضمن اینکه گفته می‌شود این روزها حسن حسندوست مشغول تدوین فیلم است. «ایشان کاتار»، برادر ناتنی شاهد کاپور، برای اولین‌بار با این فیلم بازیگری را تجربه کرد و نقش خواهر او را مالاویکا موهانان، دختر مدیر فیلم‌برداری مشهور هندی؛ یو. موهانان ایفا کرده است. پوستر فیلم و خط داستانی که از فیلم منتشر شده بیشتر «بچه‌های آسمان» مجیدی را به ذهن متبادر می‌کند. گفتنی است چندی پیش خبری مبنی بر افتتاحیه فیلم در جشنواره بین‌المللی برلین منتشر شده بود.

فیلم کوتاه ایرانی برگزیده کن شد



● فیلم کوتاه «حیوان»، ساخته بهرام و بهمن ارک، موفق به کسب جایزه دوم بخش سینه‌فونداسیون هفتادمین جشنواره بین‌المللی فیلم کن شد. به گزارش ایسنا، فیلم کوتاه «حیوان» از تولیدات آموزشی هنرجویان مدرسه ملی سینمای ایران در بخش «سینه‌فونداسیون» جشنواره کن در رقابت با فیلم‌هایی از کشورهای اسلوواکی، برزیل، ژاپن، هند، فرانسه، آمریکا، آژرانتین، بریتانیا، تایوان و بلژیک موفق به کسب جایزه دوم این بخش از جشنواره به ارزش ۱۱هزارو ۲۵۰ یورو شد. در بخش سینه‌فونداسیون جشنواره کن که در آن هرساله فیلم‌های منتخب دانشگاه‌ها و مدارس فیلم‌سازی سراسر دنیا با یکدیگر رقابت می‌کنند، جایزه اول امسال به ارزش ۱۵ هزار یورو به فیلم «پل انجاست» ساخته «والنتینا مائول» از کشور بلژیک رسید و جایزه سوم نیز به ارزش هفت‌هزارو ۵۰۰ یورو به فیلم «دو جوان مُردند» ساخته «توماسو آسبریتی» از فرانسه اختصاص یافت. بهرام و بهمن ارک از هنرجویان دوره اصلی پرورش سینماگر مدرسه ملی سینما هستند و فیلم کوتاه ۱۵دقیقه‌ای «حیوان» را تحت آموزش و به تهیه‌کنندگی و حمایت مدرسه ملی سینما ساخته‌اند. داستان «حیوان» درباره مردی است که تلاش می‌کند خود را به آن‌سوی مرز برساند. امسال «کریستین مونچیو»، فیلم‌ساز برجسته رومانیایی، ریاست هیئت داوران بخش فیلم کوتاه و سینه‌فونداسیون هفتادمین دوره جشنواره کن را برعهده دارد. بخش مستقل «دو هفته کارگردانان» به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین بخش‌های جشنواره کن، برندگان سال ۲۰۱۷ خود را معرفی کرد. فیلم «سوارکار» به کارگردانی «کلونی ژانو» محصول سینمای آمریکا جایزه اصلی بخش مستقل «دوهفته کارگردانان» کن را از آن خود کرد. این فیلم روایتگر رؤیاهای قمیم‌مانده یک سوارکار اهل داگویتا جنوبی است که بازیگر نقش اصلی آن «بردی ژانرو»، یک گاوپران واقعی است. این فیلم دومین حضور «کلونی ژانو»، کارگردان چینی، در جشنواره کن است که در سال ۲۰۱۵ نیز با فیلم بلند «آوازهایی که برادرم به من آموخت» در این رویداد حضور داشت. فیلم «سیامبر» به کارگردانی «جونااس کارینائو» محصول مشترک ایتالیا، برزیل و آمریکا که تهیه‌کنندگی آن برعهده «مارتین اسکورسیزی» است نیز جایزه «نیل» سینمای اروپا را دریافت کرد و جایزه انجمن نویسندگان نمایشی و اهنگ‌سازان نیز به فیلم «بگذار آفتاب به داخل بتابد» از «کلر دنیس» (فرانسه) و «عشق برای یک روز» به کارگردانی «فیلیپه کارل» (فرانسه) اعطا شد. «بازگشت به شهر جنوا» ساخته «بنوا کریمال» نیز جایزه بهترین فیلم کوتاه بخش «دو هفته کارگردانان» جشنواره کن ۲۰۱۷ را به خود اختصاص داد. بخش «دو هفته کارگردانان» به صورت مستقل و به موازات جشنواره کن برگزار می‌شود.

اینبا؛ مراسم گرامیداشت احمدرضا احمدی به بهانه ۷۷سالگی این شاعر شناخته‌شده، به همت کتابفروشی همیشه و هفته‌نامه چلچراغ و با پیام رئیس دولت اصلاحات برگزار شد.

عصر پنجشنبه چهارم خرداد، جمعی از اهالی فرهنگ و ادب و هنر در کتابفروشی همیشه گرد هم آمدند تا در مراسم ۷۷سالگی احمدرضا احمدی، شاعر برجسته کشور، شرکت کنند. چهره‌هایی مانند فریدون عموزاده‌خلیلی، فرشته طائرپور، افسانه شعبان‌نژاد، رسول یونان، یارتا یاران، هوشنگ کامکار، مهدی یوسفی، امید روحانی، احترام برومند و خسرو سینیایی از جمله افراد حاضر در این مراسم بودند.
این مراسم رأس ساعت ۱۷:۳۰ آغاز شد، اما کتابفروشی «همیشه» ساعاتی پیش از برگزاری این مراسم مملو از جمعیت و علاقه‌مندانی بود که از نقاط مختلف تهران و حتی شهرهای دیگر خود را برای شرکت در این مراسم رسانده بودند. برگزارکنندگان این مراسم نیز با پیش‌بینی برنامه‌های مختلف از حضاران در این مراسم پذیرایی کردند که بخش کلییی از زندگی این شاعر برجسته، ساخته نیما عباسی، اولین بخش این برنامه‌ها بود. هوشنگ کامکار، آهنگ‌ساز و مدرس موسیقی و مترجم آثار تئوریک موسیقی در این مراسم با تجلیل از جایگاه احمدرضا احمدی در حوزه فرهنگ و همچنین موسیقی گفت: بسیاری از اهالی موسیقی در ایران وامدار احمدرضا احمدی هستند. ایشان از دوستان نزدیک محمدرضا لطفی بودند. وقتی در سنجند بودم، آشنایی دوری با ایشان

داشتم اما آشنایی نزدیک من با ایشان با ساخت آلبوم «در گلستانه» شکل گرفت و در ادامه با کارکردن روی اشعار ایشان در آلبوم «دور تا نزدیک» و «محاق» ادامه پیدا کرد. ایشان در ترغیب من برای ترجمه آثار موسیقی نیز بسیار نقش داشتند. همچنین مهدی یوسفی، پژوهشگر حوزه ادبیات کودک و نوجوان درباره سبک خاص احمدرضا احمدی در حوزه ادبیات به ارائه توضیحاتی پرداخت. امید روحانی، منتقد و بازیگر سینما، تاتار و تلویزیون نیز از دیگر سخنرانان این مراسم درباره آثار احمدی گفت: سیالیتی را که در آثار

احمدرضا احمدی در جشن تولد ۷۷سالگی‌اش

حرف‌هایم در شعرهایم است



احمدرضا احمدی وجود دارد، در کمتر شاعر دیگری دیده‌ام؛ چه در شعرها و چه در رمان‌هایش. احمدرضا احمدی از ابتدای زندگی خود شالوده‌شکن بوده، اما امروز به شعر آگاهانه رسیده است. آیدین آغداشلو در مقاله‌ای که در مجله گوهران نوشته بود، عنوان کرده بود که «احمدرضا می‌ماند و ما می‌گذریم». در ادامه، افسانه شعبان‌نژاد، شاعر و نویسنده ادبیات کودک و نوجوان نیز گفت: سال‌هاست که احمدرضا احمدی را می‌شناسم. در زندگی‌ام از شنیدن صحبت‌های هیچ‌کس به اندازه او لذت نمی‌برم. او یک تقویم

گفت‌وگو با مهدی کرم‌پور

امسال شاهد فیلم‌های خوبی در «کن» نبودیم



باشد. امسال تا به حال فیلمی نداشته‌ایم که با بیرون آمدن از سالن متحیر و شگفت‌زده شویم. تا اینجا جشنواره که فعلا خبری از این دست فیلم‌ها نیست. زمانی در اینجا فیلم‌هایی مثل «پاریس، تگزاس» نمایش داده می‌شد یا «بهشت بر فراز برلین» و... که همه را شگفت‌زده کرد، اما چندین سال است که اوضاع به همین ترتیب می‌گذرد و فیلم‌ها به همین منوال کمی نامیدکننده هستند.

● **گفت‌وگو با:** **فیلمی را تا به اینجا ترجیح داده‌اید؟**

تا به اینجا کار من فیلم «بدون عشق» اثر کارگردان روس، آندری زوایگینستف، را از بقیه فیلم‌ها بیشتر دوست داشتم. کارگردانی که فیلم خوب «لویتان» را هم در کارنامه خود دارد. دیروز از کارگردان یونانی، یورگوس لانتیموس، «کشتن گوزن مقدس» را دیدم که نیکول کیدمن هم در آن بازی می‌کرد. فیلم «فریب‌خورده»ی سوفیا کاپولا را هم دوست داشتم. فیلم «پایان خوب» میشائیل هانکه را دوست نداشتم. گرچه کلا کارگردان موردعلاقه من است، اما قصه فیلم دیر شروع شد و بعد از آن کارگردان وقت کافی برای به‌نتیجه‌رساندن آن‌همه مفاهیم عمیق را نداشت. ریتم فیلم هم زیادی کشدار شده بود. مشکل دیگر هانکه در فیلم که البته مشکل خیلی از کارگردانان بزرگ دیگر هم هست این است که همه‌چیز را به خود ارجاع می‌دهد. این ارجاع‌دادن‌ها ممکن است خوشامد منتقدان باشد، ولی تماشاگران عادی اینها را درک نمی‌کنند. این افت البته در بسیاری از سینماگران قدیمی خودمان هم وجود دارد. به نظر من هر فیلم یک اثر

تاریخی زنده است که پر از حرف‌های شیرین است. او در ادامه به خوانش یک قطعه شعر پرداخت و آن را به احمدی تقدیم کرد.

فریدون عموزاده‌خلیلی که از بانیان برگزاری این مراسم بود، با تبریک روز تولد احمدی گفت: به‌عنوان کسی که در ادبیات کودک پرسه زده‌ام، می‌دانم که گفتن حرف‌های مهم به زبان کودکان چقدر دشوار است، اما احمدرضا احمدی این کار سخت را آسان کرده است. شما سخت‌ترین مفاهیم کودکی را در کلمات ساده احمدرضا می‌بینید و می‌خوانید. به نظر من شاعران و نویسندگان از این جهت افسرد مهمی هستند که با آثارشان کاری می‌کنند که این جهان برای ما جهان بهتری باشد و احمدرضا احمدی، با هر شعر و هر کتاب، جهانی نامتناهی را به جهان ما اضافه کرده است.

او در ادامه پیام رئیس دولت اصلاحات را که به مناسبت تولد ۷۷سالگی احمدرضا احمدی نوشته شده بود، برای حضاران خواند. اما در انتهای این مراسم احمدرضا احمدی نیز در سخنانی کوتاه به حضاران گفت: این اولین‌بار است که به شهرک غرب می‌آیم و بیمارستان نمی‌روم، چراکه من در این سال‌ها با ۱۷ بار برای آمدن به بیمارستان آتیه به این منطقه آمده‌ام. تشکر می‌کنم از اظهار لطف دوستان به من و از افرادی که اینجا حاضر هستند نیز کمال تشکر را دارم. حرف خاصی ندارم چراکه حرف‌های من در شعرهایم است. در واقع شعرهای من بیوگرافی و شرح حال من است.

مستقل است و باید به‌تنهایی قائم‌به‌خود تعریف شود.

● **حضور سینمای ایران را در بازار چگونه می‌بینید؟**

از نظر کلی حضور سینمای ایران در بازار اتفاق خوبی است. سینمای ایران باید باشد. مگر می‌شود که کسی خودش را از بازارهای جهانی حذف کند؟! مهم این است که پخش‌کنندگان حرفه‌ای‌تر شوند. مهم این است که فارابی به‌عنوان یک فونداسیون مهم، وزیر خارجه سینمای ایران در کن باشد. اگر فارابی را نماینده دولت بدانیم، باید به‌عنوان وزیر خارجه سینما مثل اونی فرانس (UniFrance) که به پخش‌کنندگان سینمای فرانسه کمک می‌کند، به سینمای فارسی‌زبان کمک کند تا بخش خصوصی فعال شود. الان پخش‌کنندگان قدیمی کم‌کم در حال دلسردشدن هستند و جوان‌ها و تازه‌کارها کم‌تجربه‌اند، اما باید حمایت شوند. تا زمانی که بخش جهانی باید هر سال حضوری درنیاورد و به بخش خصوصی داده نشود، ما نیست، گرچه لازم است، اما کافی نیست. به نظر سهم ما از بازار سینمای جهان مسیر مهمی است تا پرچم فرهنگ و هنر و زبان ایران بالا نگه داشته شود.

● **آیا دو فیلم ایرانی حاضر در کن امسال ؛ «لرد» محمد رسول‌اف و «آنها» آناهیتا قزوینی‌زاده را دیده‌اید؟ نظرتان درمورد آنها چیست؟**

بله دیدم. فیلم آقای رسول‌اف حرفه‌ای‌تر از فیلم خانم قزوینی‌زاده است که البته طبیعی است، اما هر دو با نگرش و مدل سلیقه من کمی فاصله دارند.

● **شما هم مثل ایرانیان حاضر در کن امسال در اینجا برای انتخابات ریاست جمهوری رأی دادید. رأی‌دادن در اینجا چگونه بود؟ و نظرتان در مورد نتیجه انتخابات چیست؟**

این خیلی اتفاق جالبی بود که ما اینجا در کن صف بستیم تا رأی بدهیم و تقریبا کل صف هم حضاران در جشنواره کن بودند. حضور بی‌شمار ایرانیان؛ چه در اینجا و چه در اقصانقاط ایران و اینکه سرنوشت کشورشان برای آنها اهمیت دارد خیلی خوشحال‌کننده بود. این موضوع جای قدردانی دارد و پتانسیل بزرگی برای مملکت ماست. ایرانیان در هرجای دنیا که باشند، دلشان برای ایران می‌تپد. در آخر هم طبیعتا در نتیجه انتخابات خوشحالم. حالا نوبت آقای روحانی است.

پرنرنگ‌تر شده و همبستگی زنان در مواجهه با شرایط شکل بهتری پیدا کنند. بازی‌ها، به‌خصوص بازی «نیکول کیدمن» چشمگیر است، اما دیگر منتقدان معتقدند که بازی‌های آن‌ر دان سیگل با حضور کلینت ایستوود برجسته‌تر از فیلم کاپولا با بازی «کالین فارل» بود. فیلم «بعد از جنگ» اولین کار بلند «نارتا زامبرانو» فیلم‌ساز ایتالیایی ساکن فرانسه است که در بخش «نوعی نگاه» جشنواره کن به نمایش درآمد. داستان فیلم درباره رئیس سابق یکی از شبکه‌های مبارزاتی چپ ایتالیایی است که بعد از اتفاقاتی که در دهه ۸۰میلادی رخ می‌دهد و منجر به جنگ و خون‌ریزی‌های شدیدی در این کشور می‌شود، به فرانسه می‌رود و در آنجا آزادی سیاسی را با کمک دولت «میتران» به دست می‌آورد و به‌عنوان یک مهاجر پذیرفته می‌شود. بعد از این حوادث و به دنبال کشته‌شدن یک استاد علوم قضائی در ایتالیا، دولت فرانسه به فکر بازگرداندن این شخص و افراد دیگر به کشور خودشان می‌افتد؛ درحالی‌که گروه‌های تروریستی ادعا می‌کنند در پی دستوراتی که از فرانسه رسیده چنین کاری را انجام داده‌اند.

می‌توان گفت کارگردان سعی کرده از زوایای مختلف به این ماجرا پرداخته و دلایل رفتاری افراد گروه‌های چپ را ریشه‌یابی کند؛ اینکه به چه علتی احساس می‌کنند دولت فرانسه حق ندارد آنها را بازگرداند. همچنین تبعات کارهایی‌را که گروه‌های چپ و رؤسای آنها در دهه ۸۰ کرده‌اند بر زندگی امروزی خانواده‌های آنها نشان می‌دهد؛ همانند تراژدی‌های یونانی که کارگردان معروف «پیر پائولو پازولینی» نیز در کارهای خود بیان کرده است.

مجیدهای در فیلم «فریب‌خورده»

مرور فیلم‌های دو کارگردان زن جشنواره «کن»

این مردان خبیث

این مورد روبه‌رو بودیم که پای مرد به‌خاطر انتقام‌گرفتن از رفتار غیراخلاقی بریده شده بود، ولی در فیلم اخیر پیشامد حادثه‌ای است که موجب چنین اتفاقی می‌شود. در فیلم کاپولا حالت‌های شرارت و بدجنسی از کاراکترهای زن داستان گرفته شده و درعوض مرد به موجودی زن‌ستیز و سوءاستفاده‌گر بدل شده است. تمام این عوامل موجب شده‌اند که ویژگی‌های زن فیلم

از زنان ماجراجست. در تفاوت با کار دان سیگل، ویژگی‌های زنانه فیلم برجسته‌تر شده است و بیننده با آن قهرمان مردی که در فیلم سیکل دیده می‌شود (مردی که هوسبار بود و با تمام زنان ارتباط داشت) روبه‌رو نیست. قهرمان داستان کاپولا بعد از اینکه با یکی از زنان گروه ارتباط برقرار می‌کند، دستش رو می‌شود. همچنین در فیلم سیکل با

تماشاخانه

معجونی با «سه خواهر» در صحنه

● **شرق:** پس از نمایش‌های مضرات دخانیات، خواستگاری، مرغ دریایی، دابی وانیا، باغ آلبالو، این‌بار محمدحسن معجونی قصد دارد که نمایش «سه خواهر» را در تماشاخانه «پالیز» روی صحنه ببرد. «سه خواهر» عنوان نمایش‌نامه مشهور آنتوان چخوف است که حسن معجونی کارگردان عرصه نمایش قصد دارد که از نیمه خردادماه، این نمایش را با طراحی ویژه‌ای در تماشاخانه «پالیز» روی صحنه ببرد. طبق برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، تمرینات این گروه نمایشی از بهمن سال گذشته آغاز شده و هنوز ادامه دارد و در روزهای آینده تمرینات این گروه به پایان خواهد رسید تا از تاریخ ۱۶ خرداد اجراهای نمایش «سه خواهر» در این تماشاخانه آغاز شود. سه خواهر عنوان نمایش‌نامه‌ای است نوشته آنتون چخوف که در سال ۱۹۰۰ نگارش یافت و برای اولین‌بار در سال ۱۹۰۱ به روی صحنه رفت. نمایش‌نامه ناتوا‌البتستی سه خواهر درباره یوسیدگی و نابودی تدریجی اشرافیت اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم روسیه است و جست‌وجویی برای یافتن معنای زندگی در دنیای جدید. این نمایش‌نامه شرحی بر زندگی و دل‌شغولی‌های خانواده پروزروف است که از سه خواهر به نام‌های اولگا، ماشا و ایرینا و برادرشان آندره‌نی تشکیل شده است. این خانواده از وضعیت موجود خود ناراضی است و چشم‌انداز آینده را تیره و تار و امیدهای خویش را بربرافته می‌بیند.

سه خواهر این خانواد همگی زنان جوان، تحصیل‌کرده و بافرهنگی هستند که در مسکو بزرگ شده‌اند؛ ولی از ۱۱ سال پیش در شهری کوچک واقع در یک ناحیه روستایی روسیه زندگی می‌کنند. مسکو در این نمایش‌نامه نقش برجسته‌ای دارد؛ سه خواهر همواره به آن می‌اندیشند و پیوسته آرزو می‌کنند روزی به آن بازگردند. مسکو، شهری که آنان شداترین روزهای خود را در آن گذرانده‌اند، به نظر ایشان مظهر کمال است؛ اما وقتی نمایش پیش می‌رود، این سه خواهر بیش‌ازپیش و به‌تدریج از رؤیاهای خویش فاصله می‌گیرند.



اولگا (دختر بزرگ خانواده) در ابتدا در مدرسه‌ای آموزگار است؛ ولی در انتهای نمایش به مقام مدیریت آن مدرسه رسیده است؛ ترقیع مقامی که او چندان علاقه‌ای به آن ندارد. ماشا همسر یک معلم به نام فنودور ایلچ‌کولجین است. در ابتدای ازدواج‌شان ماشا فریقته استعداد و زرنگی شوهرش بود؛ ولی اکنون هفت سال بعد از ازدواجشان او را مردی کودن به حساب می‌آورد که آن‌قدرها هم که او در ابتدا می‌پنداشت، باهوش نیست. ایرینا جوان‌ترین خواهر است. او در عالم رؤیاهایش همیشه در آرزوی رفتن به مسکو و پیداکردن عشق واقعی خویش است. آندره‌نی تنها پسر خانواده است. او عاشق ناتاشا ایوانوا است.

برده دوم نمایش وقتی آغاز می‌شود که آندره‌نی و ناتاشا با هم ازدواج کرده‌اند و صاحب یک فرزند شده‌اند و این در حالی است که ناتاشا با شخصی به نام پروتوپووف، که یکی از رؤسای آندره‌نی است، نیز رابطه عاشقانه برقرار کرده است. شخصیت پروتوپووف در نمایش ظاهر نمی‌شود و فقط تماش آورده می‌شود. ماشا با یک افسر ارتش به نام الکساندر ایگناتیه ویچ ورششین رابطه دارد. افسری که متاهل است و همسری دارد که مرتب دست به خودکشی می‌زند. در همین پرده، توزنباخ و سولیونی نسبت به ایرینا اظهار عشق می‌کنند. وقایع پرده سوم نمایش در اتاق مشترک اولگا و ایرینا اتفاق می‌افتد. اینکه اولگا و ایرینا مجبور شده‌اند به طور مشترک در یک اتاق زندگی کنند، نشانه بارزی است بر اینکه ناتاشا دارد کنترل امور خانواده را به دست می‌گیرد. او از دو خواهر شوهر خود خواسته است تا دوفتری در یک اتاق زندگی کنند که فرزند خودش بتواند دارای یک اتاق مستقل باشد. در شهر یک آتش‌سوزی اتفاق افتاده است که همه سرگرم تعمیرات و پاکسازی‌های بعد از آن هستند. ماشا و ایرینا از اینکه برادرشان آندره‌نی خانه‌شان را به گرو گذاشته تا با پول آن بدهی‌های ناشی از قماربازی‌هایش را بپردازد، بسیار عصبانی هستند ... در پرده چهارم که آخرین پرده نمایش است، سربازها که اکنون دیگر دوستان خانواده پروزروف هستند، در حال آماده‌شدن برای ترک آن ناحیه هستند و درست در زمان رفتن آنان، توزنباخ در حین یک دوتل به دست سولیونی کشته می‌شود.

بازگترانی که در این نمایش به ایفای نقش می‌پردازند، از چهره‌های شناخته‌شده در حوزه تئاتر هستند و تعدادی از آنها از جوانان شناخته‌شده تئاتری برگزیده شدند. سعید کنجریسان، فریا جدی‌کار، پوریا رحیمی‌سام، حسین امیدی، مهدی بجستانی، حسین حسینیان، میلاد شجره، فراز سغرابی، آناهیتا درگاهیه، آوا شریفی، به‌آفرید غفاریان، فرزانه میدانی و سیماوش البختی‌نائبینی بازیگرانی هستند که در این نمایش به ایفای نقش می‌پردازند.